

ادبی و کسی را که میل به علوم طبی دارد و می خواهد دوره تعلیمات متوسطه را طی نماید فرصت دهند تا دروس طبیعی مانند نبات شناسی و حیوانشناسی و حفظ الصحه و شیمی طبی را مفصلتر تعقیب نماید و مجبور نشود ساعت‌هایی صرف شرح حال سعدی یا فرمولهای ریاضی کند و اسامی خویشاوندان (ویکترو هوگو) را از حفظ بداند و تمام دهات سیام و آنام را بار حافظه نماید. باز بتکرار میگوئیم مقصود هرگز تجزیه کامل متوسطه و از بین بردن تحصیلات عمومی و بهم زدن انتظام مقدمات نیست مدارس اختصاصی جداگانه باید باشد و متوسطه برای تأمین یک تربیت عمومی و تشحیذ ذهن و معتاد کردن جوانان بنظام ذهنی و ترتیب عقلی و تربیت فکر برای درک مسائل علمی و ادبی و آزمون احساسات برای دریافتن زیباییها و تناسبهای عالم و یاد دادن راه و رسم یک زندگی مقبول و بوجود آوردن ارباب ادب و فرهنگ است.

ولی با این همه آئین مشترک و مقصود کلی باید کوشید و استعداد افراد را تا آنجا که ممکن است مجاری خاصی در همان محیط متوسط باز نمود و نگذاشت قریحه و ذوق آن ها فدای کثرت موضوع بشود یعنی عمق فدای عرض و باطن فدای ظاهر گردد و جوان مدت شش سال بعضی موضوعات را که هرگز مناسب روحیات او نیست باجبار تعقیب نماید یعنی تناسب آن موضوعات نسبت بدروس مطلوب او مساوی باشد.

مسئله تنوع در متوسطه مسئله کجدار و مریز است. فکر باریک و ورزیده و آشنائی کامل بروحیات جوانان لازم است تا شخص اهمیت این تنوع در عین وحدت را در یابد و الا اگر متوسطه مانند حصاری جوانان را نگهداشته و بفرار گرفتن بکمشت موضوعات بدون انطباق و تنوع و بدون رعایت بقاعده الاهم فالاهم مجبور نماید نتیجه این خواهد بود که بکلمه زیادی جوانان مایوس و از درس ناراضی و ثقل دوست باز آمده بانواع وسایل مدرسه را تمام کرده و با فکری مبهم و ذوقی کور و بکار نیفتاده و خسته و معلول داخل جامعه کردند و معمولاً چون از اول استعداد فطری و تمایل طبیعی آنها جریان نیافته بالطبع در انتخاب شغل و تعیین شکل زندگی دچار یک حیرت و بی تکلیفی شوند و کار را با اتفاق واگذارند و مانند خس و خاشاک تابع امواج حوادث گردند تا روزگار آنها را به اداره فلاحه یا بانک ملی یا دارالتجزیه ابن سینا یا وزارت اقتصاد یا نفت جنوب یا راه آهن پرتاب نماید، و آنها در نتیجه تصمیم و عزم خود رشته کاری را نتوانند انتخاب کنند، چون انتخاب معمولاً بر خلاف پیش آمد و اتفاق است و مقاومت و متانت و عزم می خواهد و تعلیمات اجباری که استعداد جوانان را پشت پا زند و در پروراندن آنها اهتمام نکند از نخست تشکیل عزم و اراده را در آنها مانع میگردد، و حکم علوم روان شناسی بر اینست که پایه عزم و اراده در اشخاص غالباً منوط بهمان رشد و نمو اولین استعدادهای آنهاست. دکتر رضا زاده شفق

### میاسای از آموختن یک زمان

ز دانش میفکن دل اندر کمان  
همه هر چه باستم آموختم  
بهر آرزو بر توانا شدم  
از آموزگاران میرتاب سر

میاسای از آموختن یک زمان  
چه گوئی که کار خرد توختم  
ندانی، چه گوئی که دانا شدم؟  
چو خواهی که رنج تن آید ببر